



احمد غلامی

جامعه ایران رویکردی آخرالزمانی به سیاست دارد. خاصه آن که انقلاب ۵۷ را از سر گذرانده و آن را تجربه کرده. انقلاب ها بیش از هر رخداد دیگری عیار آخرالزمان را عیان می‌کند. با انقلاب است که وقفه‌ای در تاریخ می‌افتد و حیات مادی و معنوی آدم‌ها دگرگون می‌شود. گویا آخرالزمان است که آدمی را دچار سرخوشی ناب و شورمندی می‌کند. جامعه‌ای که به این وضعیت خو گرفته، همواره در مسائل سیاسی و اجتماعی در انتظار وقایع غیرمنتظره و پیش‌بینی نشده است که همه چیز را یکباره درنوردد و دگرگون کند. این رویکرد بیش از هر چیز خودش را در سیاست نشان می‌دهد. مواجهه جامعه ایران با سیاست از این دست است. حتی با انتخابات که طراحی شده تا از وقایع غیرمنتظره پیشگیری کند، برخوردی آخرالزمانی می‌شود. گویا بعد از هر انتخابات بناست جهان زیور و شده و تغییراتی تاریخی ایجاد شود. این رویکرد آخرالزمانی را می‌توان در انتخابات سال‌های ۷۶ و ۸۴ به وضوح ملاحظه کرد. اگرچه رویکردهای آخرالزمانی با نوعی انفجار شورمندی همراه هستند، اما در درون هسته مرکزی‌شان نوعی رفتار نهفته است که با سرخوردگی از عدم تغییرات بیش از هر زمان دیگری بروز پیدا می‌کند. دولت‌ها و قدرت‌های مستقر درصددند تغییرات در سطوح اجتماع و سیاست به وقوع بپیوندند، نه در سطح تاریخ. برای همین است که ایدئولوگ‌ها وظیفه دارند جامعه را به سمت تغییرات در این سطوح سوق بدهند. در واقع می‌توان گفت جهان امروز به این نتیجه رسیده است که با ایجاد نهادهای مدنی همچون انجمن‌ها، احزاب و برگزاری انتخابات مانع وقوع وقایع غیرقابل پیش‌بینی شود و تغییرات را کنترل کند. اگرچه جامعه ایران دچار نگاه آخرالزمانی است، اما دولت خاتمی تلاش کرد با ایجاد جامعه مدنی و نهادهای مرتبط با آن، جامعه را از توطئه‌های سیاسی و نگاه آخرالزمانی مصون نگه دارد. با اینکه این دولت خودش از دل همین بستر سر برآورده بود. با دولت احمدی‌نژاد وضعیت آخرالزمانی دوباره تشدید شد؛ چراکه این دولت بر اساس همین شیوه طراحی شده بود. احمدی‌نژاد از طریق انتخابات انقلاب کند و تغییرات را از سطوح اجتماع و سیاست به تاریخ بکشاند. شورمندی و شغف مردم در انتخابات دوره خاتمی و احمدی‌نژاد بیش از شورمندی پیروزی در یک انتخابات بود. البته ناگفته پیداست که احمدی‌نژاد آگاهانه سودای تغییرات تاریخی را در سر می‌پروراند و برداشت روشنی از آموزه‌های آخرالزمانی در فرهنگ مردم ایران داشت و با تکیه بر همین باور، نشانی جامعه اتوبیایی را می‌داد. او با رویکرد آخرالزمانی‌اش که بستر آن وجود داشت، همه نهادهای مدنی را از بین برد و بعد از ناکامی‌اش موجب بی‌اعتباری سیاست شد که ماحصل آن نگاه خاص موجود در نگاه آخرالزمانی است. جامعه ایران به دشواری بعد از احمدی‌نژاد به انتخابات بازمی‌گشت. هراس از جنگ در خاورمیانه که آن هم باز برگرفته از تفکر آخرالزمانی بود، این فرصت را پیش آورد که برای جلوگیری از وقایع پیش‌رو، دولت روحانی بر سر کار بیاید. دولتی که آخرالزمانی نبود اما بیم از وضعیت ناخوشایند آخرالزمانی به آن شکل داده بود. شاید هیچ چیز بهتر از این گزاره بیانگر وضعیت آخرالزمانی سیاست در جامعه ایران نباشد: «عاقبت چه خواهد شد!». در جامعه آخرالزمانی سیاست و اجتماع اساسا گذرا هستند، چراکه آنان در آخرالزمان ملغی خواهند شد، آنچه هست است دستیابی به سیاستی فراتر از این وضعیت‌های گذراست. آیا می‌توان مردمی را که سودای جامعه اتوبیایی در سر دارند، از باور به وقایع آخرالزمانی دور نگه داشت؟

۱۳۳
ادامه در صفحه ۵

شنبه ۲۶ خرداد ۱۴۰۳
۸ ذی‌الحجه ۱۴۴۵
۱۵ ژوئن ۲۰۲۴
سال بیست و یکم
شماره ۴۸۵۶
استاننا ۵۰ هزار تومان
۱۲ صفحه + ۵۲ صفحه ویژه‌نامه

روزنامه شرق

گزارشی از رونمایی کتاب «روایت محمد-سان» منتشر شده از سوی انتشارات کتاب شرق

گفت‌وگو
راه نجات توسعه

۱۰



در «شرق» امروز می‌خوانید: نشست اخیر ژاپن، کره جنوبی و چین و واکنش کره شمالی؛ دیوار برلین نوین • «شرق» افزایش غنی‌سازی اورانیوم در ایران را بررسی می‌کند؛ پاسخ کنترل شده

نامزد اصلاح طلب با همراهی احمد میدری و حسین عبده تبریزی برنامه‌های اقتصادی خود را با نقد داده‌های اقتصادی سه سال گذشته تشریح کرد

درست‌آیش تخصص سالاری

گزارش تشریح‌را در صفحه ۴ بخوانید



این گزارش را در صفحه ۲ بخوانید. عکس: محمود عارفی - جباران

گزارش «شرق» از دیدار مسعود پزشکیان با سید محمد خاتمی و اعلام حمایت او از نامزد جبهه اصلاحات

یک دیدار، یک نقطه عطف

اصلاح طلبان و پارادوکس نویدبخش

مانع تراشی نخواهد کرد. اکنون گویی اتفاق دیگرگونی پدیدار شده است. به نظر می‌رسد هر دو نظم سیاسی مستقر و اصلاح طلبان نشانه‌هایی از حرکت به سمت آشتی بروز داده‌اند. الزام

وضعیت اکنون جامعه ایران، رفتن به سمت نوعی موازنه بین خواست ناراضیان و خواست حاکمیت است. تجربه تاریخی نشان داده است نمی‌توان این دو خواست را نادیده گرفت. دکتر پزشکیان هم نماد تغییر است (آنچه اصلاح طلبان دنبالش هستند) و هم نماد عدم سنتز (آنچه حاکمیت در پی آن است). چیزی که جامعه ایران به آن نیازمند است، همین نقش میانجی بودن و فراتر رفتن از قطب‌بندی‌های شدید سیاسی و اجتماعی است. نقش میانجی در در نظر آوردن منافع و مصالح نیروهای مختلف سیاسی و اجتماعی؛ هم نیروهای تحول خواه و هم نیروهای هوادار نظم سیاسی مستقر. در چنین شرایطی است که می‌توان یک قدم به سمت استقرار نظم سیاسی

برآمده از اراده اکثریت جامعه نزدیک شد. نظمی که مقدمه و بنیان حرکت به سمت توسعه است. این وضعیت پارادوکسیکال در جبهه اصلاحات می‌تواند برای کشور نویدبخش باشد.



محمد امیرپناهی

انتخابات دوره چهاردهم ریاست جمهوری معنایی فراتر از منازعه متعارف بین اصلاح طلبان و اصولگرایان دارد. پیشینه سیاسی، اجتماعی، عملکرد و موضع‌گیری‌های سیاسی دکتر پزشکیان و مهم‌تر

از همه تأیید صلاحیت وی از سوی شورای نگهبان برساننده این معنای متفاوت است. نامزد جبهه اصلاحات جمع بین نقیضین است؛ به هر دو خوانش (اصلاح طلبانه و اصولگرایانه) تن می‌دهد و در عین حال از هر دو آنها فراتر می‌رود و اسیر رادیکالیسم یک سوی ماجرا و محافظه‌کاری آن سوی دیگر نمی‌شود. به نظر می‌رسد ایران امروز بیش از هر چیز به چنین وجهی از سیاست‌ورزی نیازمند است. در اندیشه سیاسی، ایجاد نظم سیاسی پایدار منوط به نزدیکی و پذیرش دیگر نیروهای سیاسی است. گفتار متعارف اصلاح طلبان از دهه ۱۳۷۰ تاکنون خود را در تقابل با نظم سیاسی مستقر تعریف می‌کرد. گفتار اصلاحات غایتی متمایز از آنچه نظم سیاسی مستقر تعریف می‌کرد، دنبال می‌کرد. به یک معنا، جبهه اصلاحات همواره در پی ایجاد هویتی کاملا متمایز از نظم مستقر بود. تأیید دکتر پزشکیان از سوی شورای نگهبان را نباید یک خطای محاسباتی در نظر گرفت، بلکه می‌بایست آن را مبتنی بر انتخاب خطای محاسباتی رخ نداده است. در صورت موفقیت اصلاح طلبان، حاکمیت سیاسی به نتایج انتخابات رضایت خواهد داد و در برابر دولت جدید

امید به ترمیم بدنه کارشناسی کشور

کمتری دارد؟ واقعیت این است که اصلا چنین نیست، بلکه اداره امور یک کشور و مردم آن بسیار بسیار پیچیده‌تر و تودرتوتر از جراحی قلب است. حال چگونه است که در تصور برخی از ما، اداره یک کشور را

می‌توان به افرادی سپرد که در حوزه‌ای که به کار گماره می‌شوند، نه تنها هیچ تخصصی ندارند که حتی برای اداره آن بخشی که به آنان سپرده شده، متخصصان آن را هم به کار نمی‌گیرند و حاصل چه می‌شود؟ همین که در کشور می‌بینیم. نمی‌دانم یادتان هست یا نه و البته زیاد از آن ایام دور نشده‌ایم. آن روزها، ابر و باد و مه و خورشید و فلک دست به دست هم دادند و اداره امور کشور را به یک «توهم معجزه هزاره سوم» سپردند و بعضی در تأیید و تمجید او چه‌ها که نگفتند؟ یادتان هست برخی در وصف محسنات او می‌گفتند «غذایش را با قابلمه از خانه می‌آورد؟» یعنی ببینید، اداره امور کشور را تا این حد تقلیل داده بودند که یکی به این دلیل برای در دست گرفتن سکان هدایت قوه مجریه خوب است، چون غذایش را از خانه می‌آورد و خوب وقتی یک نفر محسناتش برای اداره کشور، قابلمه غذایش باشد، اداره کشور در دستان او هم قابلمه‌ای می‌شود؟ همان چیزی که در هشت سال صدارتش گذشت و در یک قلم، نابودی ۸۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌های این کشور که از فروش نفت به‌دست آمده بود و معلوم است که باقی ماجرا چه می‌شود.



مهررداد احمدی شیخانی

اگر بیمار باشیم چه می‌کنیم؟ یا اگر بخواهیم خانه بسازیم؟ اگر قصدمان این باشد که فرزندانمان تحصیل کنند یا هر موضوعی از این دست؟ در همه اینها یا باید خودمان در هر کدام از موضوعات این چنینی تبحر و تخصص داشته باشیم و یا به ناچار از کسی که در هر کدام از این موضوعات تخصص لازم را دارد، کمک بگیریم و واقعیت این است که هر کدام از اینها و بسیاری دیگر از این دست، چنان پیچیده، چندلایه و پر شاخ و برگ است که در هیچ کدام، کسی را نمی‌توان یافت که خود به تنهایی از انجامش بر بیاید. مثلا تصور کنید که یک جراح قلب بسیار حاذق، خود به بیماری قلب دچار شود و عمل جراحی برایش ضروری باشد. همین جراح قلب بسیار چیره‌دست، اگر حتی بهترین جراح قلب جهان باشد، توانایی جراحی قلب خود را ندارد. به یک دلیل بسیار ساده؛ او اول باید بیهوش و بعد جراحی شود و وقتی بیهوش شد که دیگر نمی‌تواند خود را جراحی کند. ولی نکته مهم‌تر آن است که اصلا باید یک پزشک متخصص چیره‌دستی باشد که او را عمل کند. اگر چنین پزشکی در دسترس نباشد، گیرم که او را بیهوش کردند و سینه‌اش را شکافتند و استخوان قفسه سینه را هم شکستند و به قلبش دست یافتند، چه فایده‌ای دارد وقتی که دکتر متخصصی برای جراحی قلب نداشته باشند؟ حال به اداره یک کشور بنگریم. آیا اداره‌کردن یک کشور از جراحی قلب ساده‌تر است و پیچیدگی‌های

۱۳۳
ادامه در صفحه ۵

برگزیده‌ها

واکنش آموزش و پرورش به یک گزارش

اگر از عادل «آتو» داشتند

گفت‌وگو با متین اوجانی، کارگردان نمایش «توو» به مخاطب احترام بگذاریم



جرا استراتیج‌های اجتماعی و شهری عمرشان کوتاه است؟

هوش از سر شهر رفت

مهدی فیروزان در گفت‌وگو با «فن‌ری» از تجربیات کارش در حوزه نوآوری فرهنگی و اجتماعی می‌گوید سرمایه‌گذار «جارب» را زمین زد ویژه‌نامه فن‌ری را از روزنامه فروشی‌ها بخواهید

یادداشت

به روزنامه نگار در بند، یاشار سلطانی به پای دارنده آتش‌ها



پوریاسوری

ساعت ۱۲ ظهر است، طبق وعده‌مان تماس می‌گیرم اما بی‌پاسخ می‌ماند. بنا بود بعدازظهر همدیگر را ببینیم، نه برای تبادل خبر و گزارش و حرف و حدیثی؛ قرار دوستانه داشتیم برای باخبر شدن دو دوست از حال و روزگار و زندگی هم؛ رسم رفاقت همین است. ساعتی از ظهر گذشته که خبر می‌رسد قاصد شورای نگهبان در راه وزارت کشور است و اسامی نامزدهای انتخابات ۱۴۰۳ تا دقایقی دیگر اعلام خواهد شد.

۱۳۳
ادامه در صفحه ۴

جناب آقای محمدهادی منصوری

در گذشت غمبار پدر مهربان و بزرگوارتان را ممیمانه تسلیت می‌گوییم و از خداوند متعال برای آن مرحوم علو درجات و برای شما و بازماندگان صبر مسئلت داریم. محمدرضا تاجیک، مهدی رحمانیان، مصطفی پاشایی، علی پاشایی

۱۳۳
ادامه در صفحه ۴

مدرسه‌کارپردی هنروعلوم ارتباطات «روزنامه شرق» دومین دوره آموزشی خود را برگزار می‌کند

مروری بر اندیشه‌ها و نظریات اقتصادی برای روزنامه نگاران و پژوهشگران اقتصادی | سعید لیلان

اقتصاد رسانه | حجت میرزایی

خلافت و نوشتن از خیابان (روایت‌هایی که در کف خیابان شکل می‌گیرند) | علی دهقان

واکاوی موازین قانونی فعالیت‌های مطبوعاتی | مهدی صاحبی پسندیده

کمی گفتگو درباره جامعه ترسناک بی گفتگو | شهاب الدین طباطبایی

آموزش عکاسی پایه | مهرداد شیخانی

تولید محتوای مولتی مدیا در رسانه و شبکه‌های اجتماعی | سینا رحیم پور

رسانه و جنسیت | شهرزاد همتی

گرافیک مطبوعات | حسین توکلی

برای ثبت نام و کسب اطلاع در مورد کلاس‌ها به شماره زیر در واتساپ پیام دهید

۰۹۱۰۲۰۴۳۹۲۴